



با مردمی بسیار هوشیار مواجهیم

اشاره

استاد حسن رحیم‌پور ازغدی از جمله چهره‌های فرهنگی و رسانه‌ای کشور است که به بیان مسائل و نکات دینی در قالبی همه‌فهم ویژه دارد. سخنرانی‌های ایشان همواره با اقبال درخور اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان، روبه‌رو

می‌شود و جمعی زیاد از علاقه‌مندان، به‌ویژه علاقه‌مندان به مباحث دینی با رویکردی اجتماعی و فرهنگی، را با خود همراه می‌سازد.

گفتار پیش رو از جمله سخنرانی‌های استاد رحیم‌پور ازغدی است که به بیان نکاتی درخور تأمل درباره فعالیت‌های رسانه ملی، چگونگی تعامل آن با مخاطبان، و بایدها و نبایدهای برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی در آن می‌پردازد و توجه همگان را به اهمیت و ضرورت فعالیت در این رسانه عمومی و ملی جلب می‌کند.

سخنرانی استاد رحیم‌پور ازغدی را در جمع دست‌اندرکاران «رسانه ملی» با هم می‌خوانیم:

رسانه دینی یا رسانه
منتسب به دین، تمام
سرمایه‌اش اعتماد و
ایمان مردم است. از
میان قوای بشری،
بیشترین تمرکز یک
رسانه دینی در جامعه
دینی به جای قوه
غضبیه و قوه شهویه،
باید به قوه عاقله و
درک مردم و احساس
آنها باشد.

قدرها هم مکانیکی و قابل تحلیل نیست. مخاطبان شما هر آینه ممکن است که رویشان را از شما بگردانند؛ یعنی گوششان را روی حرف بنده و شما ببندند، هرچند حرف حساب بشنوند و گاهی به روی زید و عمرو این گوش را باز کنند، ولو حرف ناحساب بشنوند.

اگر به گوش و چشم مردم و فرصتی که به ما (رسانه) می‌دهند احترام نگذاریم، ممکن است پس بگیرند و آن کسانی که قدر این اعتماد را بیشتر بدانند و با این اعتماد عمومی بازگوشی نکنند، آنها موفق‌اند. بنابراین باید آن شیوه‌های حرف زدن با مردم - به خصوص مردمی که چند میلیون نفر آنها را می‌توان جزو نخبگان شمرد و تحت تأثیر تربیت‌های امام (ره) و ارتقای سطح فرهنگ پس از انقلاب اسلامی قرار دارند - دائماً ترمیم و جراحی بشود و دائم معماری بشود و ببینیم که کجای کار ما احیاناً نشستی دارد که گاهی برخی حرف‌ها در فاصله دهان ما تا گوش مردم، مثل اینکه بخار می‌شود و به هوا می‌رود یا اینکه یخ می‌زند و وارد

حرف حساب و قابل شنیدن به نحوی که گوش‌های مردم را زخمی نکند، کار بسیار کمرشکنی است. بنابراین، بنده با قدردانی و تشکر شروع می‌کنم. دلیل دیگر که شاید به نفع اهمیت کار شما عزیزان بشود اقامه کرد، اهمیت «افکار عمومی» است و اعتمادی که افکار عمومی به کسی یا نهادی می‌کنند که به دیگران نمی‌کنند و هر آن ممکن است جای آن دو نفر با هم عوض بشود. چون درست است که مردم گوش دارند، اما مردم گوش نیستند و ما هم می‌دانیم که خودمان نمی‌توانیم این‌طور تصور کنیم که بالاخره گوش‌های مردم، بخواهیم یا نخواهیم باز است و کافی است که فضای خالی گوش اینها را پر کنیم، چون ممکن است مردم خیلی چیزها را بشنوند، اما گوش نکنند. اگر شنیدن غیر ارادی است، گوش دادن و گوش کردن ارادی است.

اگر واقعاً شما فکر می‌کنید ذهن، زبان و دل میلیون‌ها انسان در اختیار شماست، آیا می‌شود چنین ادعایی کرد که مستمعان منفعلند و متکلمان فاعل؛ یا اینکه قضیه این

«صدا» و «سیما» با داشتن ایستگاه‌ها و کانال‌های رادیویی و تلویزیونی کار سختی را در تأمین برنامه‌های این ایستگاه‌ها و کانال‌ها برعهده دارد. بستن دهان همیشه باز و معده فراخ این همه فرستنده، مطلبی است که واقعاً مولدان بسیار پرکاری می‌طلبند؛ به‌خصوص که شما به دلایل اخلاقی و به اقتضای آنچه شرافت و فضیلت این ملت ایجاد می‌کند، از بسیاری جاذبه‌های اصلی رسانه‌ها در دنیای معاصر به‌الزام و التزام اخلاقی دست‌تاز کوتاه است؛ یعنی به سراغ خشونت، سکس، مال‌خولیا، لهو و لعب‌های افراطی، هتک حرمت افراد برای مضحکه، دمیدن در شعله ابتذال و تجمل، نباید بروید و این معنی‌اش آن است که در بازار رسانه‌ها که بازار کمیت است، شما باید با دستی خالی، دست به ریسک‌های بالا بزنید و وارد یک رقابت نابرابر با رسانه‌های دنیا بشوید و افکار عمومی را از همه آن جاذبه‌های صوری منصرف کنید و متوجه کنید به جمال حقیقت که کار بسیار سخت و البته انببایی است. آن وقت شدت تولید دو کلمه

فاهمه آنها نمی‌شود. بازی کردن با اعتماد شنیداری و دیداری مردم از بازی کردن با دم شیر خطرناک‌تر است و این نکته‌ای است که مولدان در یک رسانه باید به آن توجه داشته باشند. جامعه اگر ببیند رسانه‌ای چند بار آژیر بی‌خودی می‌کشد، یا نسبت به یک خطر و یک فساد واقعی کم‌لطفی و کم‌اعتنایی می‌کند، یا فلان واقعیت را با ابعاد کاریکاتوری و غیرواقعی ارائه می‌دهد، آن جامعه ممکن است سامعه و باصره خودش را از رسانه و صاحبان رسانه پس بگیرد. ما با مردمی بسیار هوشیار مواجهیم. من فکر می‌کنم، حتی همین عوام ما، دارای یک قوه پنهانی غیرقابل‌پیش‌بینی هستند. یک شعور و هوش دسته‌جمعی، یک حس ششمی که از آن پنج حس دیگر بیشتر و دقیق‌تر کار می‌کند، ولو اینکه خیلی‌ها جدی‌اش نمی‌گیرند، درست سر وقت درک می‌کند و وارد عمل می‌شود و تصمیم می‌گیرد و غافلگیر می‌کند و اقبال و ادبارش، به نظر من، حساب‌شده است، ولو اینکه ما به آن بی‌توجه باشیم و گاهی چه بسا مستمع از متکلم داناتر است و گوینده که فکر می‌کند دارد حرف‌های خیلی مهمی پشت تریبون می‌زند، شنونده زیر لب به آن می‌خندد؛ اگر این اتفاق خدای‌ناکرده برای رسانه‌های ما

■ صداوسیما باید برای مقابله با تلاش‌هایی که برای پایان‌بخشیدن به انقلاب و فراموشاندن شیوه عدل‌علی(ع) در این جامعه و ارتجاع اجتماعی به پارادایم‌های قبل از انقلاب دارد صورت می‌گیرد و توجیه روشنفکران نیز می‌شود، اقدام کند.

ببفتد که بیننده و شنونده زیر لب به گوینده بخندد و او متوجه نشود و فکر کند که جدی به او گوش می‌کنند، بسیار خطرناک‌تر از جاهای دیگر و کشورها و رسانه‌های دیگر است. چون رسانه دینی یا رسانه منتسب به دین، تمام سرمایه‌اش اعتماد و ایمان مردم است. از میان قوای بشری، بیشترین تمرکز یک رسانه دینی در جامعه دینی به جای قوه غضبیه و قوه شهویه، باید به قوه عاقله و درک مردم و احساس آنها باشد.

صداوسیما باید نسبت به حقوق مردم با دقت و توجه به اقتضات دهه سوم انقلاب وارد عمل بشود و اگر این صداوسیما بر این اساس دوباره مهندسی نشود، دهه سوم انقلاب را از دست خواهیم داد و از دست‌دادن این دهه، از دست‌دادن خود انقلاب است. تفکیک مشکلات معیشتی و حقوق مردم، حقوق مادی مردم و حقوقی که شریعت برای مردم در جامعه لحاظ کرده، تفکیک اینها از دین و دغدغه دینی برادران و خواهران، این خودش عین سکولاریزم است. متأسفانه، این سکولاریزم عملی را ما خودمان با حسن‌ظن و حسن نیت ترویج می‌کنیم. از یک طرف با سکولاریزم نظری مبارزه می‌کنیم و از طرف دیگر به سکولاریزم عملی در جامعه و در خود رسانه صداوسیما میدان می‌دهیم؛ یعنی خودمان به خودمان پشت پا می‌زنیم، با دست خودمان می‌زنیم پشت سر خودمان و بعد برمی‌گردیم خیلی جدی می‌پرسیم کی بود؟ خب، خودمان بودیم؛ یعنی بسیاری از این مشکلات ریشه‌اش، ریشه‌ای است که خودمان نشاء کرده‌ایم و ما باید حساسیت دینی را نسبت به مشکلات اجتناب‌ناپذیر مردم نشان بدهیم، و الا تفکیک دین از زندگی را خودمان دامن می‌زنیم، بعد هم می‌گوییم اسمش را نیاورید، خودش را بیاورید. ما اگر با تفکیک نظری بین دین و دنیا مبارزه می‌کنیم، برای این است که می‌ترسیم این نظر به عمل تبدیل بشود. اگر زیر لوای دین تبدیل شد، آن وقت بزرگ‌ترین اقدام برای ریشه‌کنی نظام دینی



و دین لاقفل در درازمدت برداشته شده است. اگر رسانه‌های ما و صداوسیما نسبت به وقوع خارجی این تفکیک حساس نباشند، نسبت به روال معیشت و اقتصاد و حقوق مردم و سیاست خارجی و قضاوت، دستگاه قضایی، دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها در این کشور حساس نباشند، معنای آن این است که تن به این تفکیک داده‌اند. نظام ما نظامی صالح است و بحمدالله انسان‌های صالحی در بسیاری از مسندهایش تکیه زده‌اند. باید در همین رسانه روشن شود که شارع مقدس برای مردم حقوقی شرعی در نظر گرفته است، بدون تأمین این حقوقشان در عالم طبیعت و جامعه، اکثراً مردم دستشان از همان کمالات معنوی کوتاه خواهد شد. بخش اندکی از مردم‌اند که شما حقوقشان را بدهید یا ندهید، به تکلیفشان عمل می‌کنند. در فقر و غنا آنها صادقانه می‌توانند بگویند و جهت وجهی للذی فطر السموات والارض. صداوسیمای دینی اگر نسبت به حقوق شرعی مردم در جامعه حساس نباشد، نمی‌تواند فرهنگ را در جامعه منتشر بکند. اصلی‌ترین راه حفظ دین و حکومت دینی تأکید بر عدالت دینی است. ما فکر نکنیم می‌شود نشست، دائم به شبهه جواب داد و کاری به عدالت نداشت و به نظام‌های حکومتی کاری نداشت، چون بسیاری از این سؤالات و شبهه‌ها، ریشه نظری ندارند. نمی‌شود با زبان علی [ع] حرف بزنیم و به زندگی‌های عبدالرحمان بن عوفی در این جامعه دامن بزنیم و تن بدهیم و بعد بگوییم دین را هم حفظ بکنیم و معنویت را هم ابقا بکنیم. معنویت اسلام معنویت مسیحی و بودایی نیست. عرفان اسلام عرفان کارلوس کاستاندا نیست، عرفان سرخپوستی نیست، عرفان اشرافی و روشنفکری و قهوه‌خانه‌ای نیست که نسبت به فقر و اشرافیت علی‌السویه باشد، و به حقوق و تکالیف مردم از نوع سیاسی، اقتصادی و حقوقی جامعه بی‌تفاوت باشد. اسلام برخلاف بودیسم و مسیحیت با سکولاریزم قابل جمع نیست.

اقتصاد اسلام با اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری تفاوت دارد. قضاوت اسلامی با قضاوت غیرشرعی باید تفاوت داشته باشد. نظام ما هر جا از دین فاصله گرفته به همان میزان آسیب‌زده و آسیب‌پذیر شده است و رسانه‌ها باید این نقاط را پیدا کنند. دین را اوراق نکنیم، به‌خصوص در صداوسیما، هر تکه را دست یک جمع، یک جریان بدهیم و بدون حلوا حلوا کنند و یک مغازه برایش باز بکنند. اگر مثله کردن انسان حرام است، مثله کردن اسلام به مراتب حرام‌تر است. صداوسیمای دینی، باید دین را به همان میزان اولویت‌بندی کند که خود دین راجع به احکام و معارف و ارزش‌هایش کرده. با همان تناسب، دین را در جامعه مطرح کند و حساسیت نشان دهد.

حق الناس از مقدس‌ترین حوزه‌های فقهی در شریعت است و فقهای ما بیشترین حساسیت را به حق الناس یعنی حقوق بشر داشته‌اند؛ چه حقوق معنوی بشر که پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمود: «مقدس‌ترین نقطه عالم کعبه است. لجن به دیوار کعبه بمالید، اما حرمت یک انسان را نریزید» و چه حقوق مادی که پیامبر فرمود: «شهید متعالی‌ترین انسان است که همه چیز خود را در یک لحظه به خاطر حقیقت معامله می‌کند، اما اگر حق الناس بر ذمه‌اش باشد، همه معاصی او بخشیده می‌شود، اما حق الناس بخشیده نمی‌شود». آن قدر فقه سنتی و شریعت ما روی آن حساس است. رسانه دینی ما نمی‌تواند روی آنها حساس نباشد.

نظام دینی بدون عدالت دینی یک نظام لائیک است با نام دین. این خطری است که در دهه سوم و چهارم این انقلاب را تهدید می‌کند و این یک خطر بالفعل است.

صداوسیما باید برای مقابله با تلاش‌هایی که برای پایان بخشیدن به انقلاب و فراموشاندن شیوه عدل علی [ع] در این جامعه و ارتجاع اجتماعی به پارادایم‌های قبل از انقلاب دارد صورت می‌گیرد و توجیه

روشنفکران نیز می‌شود، اقدام کند. این مسئله در رأس وظایف صداوسیماست که حاکمان و تصمیم‌گیران جامعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی قضایی، و همه اینها را باید در معرض نقد و سؤال مردم بیاورد، منتها بر اساس موازین شرعی و دینی نه با ادبیات لائیک. با ادبیات دینی باید بیایند به مسئولیت شریعتشان جواب دهند. صداوسیما مسئول ماست. اصلاً شما هیچ مسئولیت نه شرعی و نه قانونی در این مورد ندارید که توجیه کنید خطای زید و عمرو را. شما مسئول دین مردم هستید و دین مردم را فدای زید و عمرو نکنید. توجیه هر اتفاق که در این جامعه می‌افتد به نام دین و به نام حکومت دینی و از زبان یک رسانه دینی، به نظر من، بهترین راه برای دین‌زدایی است؛ یعنی سریع‌ترین راه برای سکولاریزه کردن حکومت. این راه است که کم‌کم افکار عمومی به این نتیجه برسند که ظاهراً باید بین اصلاحات یا دین یا حکومت دینی، یکی را انتخاب بکنند. صداوسیما باید به جامعه تفهیم کند که مردم حقوق و وظایف شرعی و دینی دارند و همین‌طور مسئولان و این رابطه متقابلی بین مردم و مسئولان است و باید رعایت شود و هر کس از این موازین شریعت تخلف کرد، باید نهی از منکر بشود؛ هر کس می‌خواهد باشد. هیچ دلیل و هیچ انگیزه شرعی برای محافظه‌کاری نداریم. صداوسیمای ما برای محافظه‌کاری در این قبیل قلمروها هیچ حجت شرعی ندارد. نظام هم با آن مخالف است؛ یعنی رهبری فرزانه انقلاب. هر کس از راه دور و نزدیک با ایشان و با افکار ایشان آشنا باشد، می‌داند که اصلاً طرز فکر ایشان اینجوری نیست که سیم‌خارداری کشیده شود و مفاصدی اگر وجود دارد اینها توجیه شود. اینها باید به‌طور شفاف در صداوسیما عرضه و اصلاح شود.